

بررسی رابطه دموکراسی آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان پایه هفتم شهر تاکستان

مهرنوش رحمانی ۱، علی حسینی مهر ۲، عذرا رحمانی ۲

۱- کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، قزوین، ایران.

Email: Rahmani.mehr71@gmail.com

۲- استادیار، مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، قزوین، ایران

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه دموکراسی آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان پایه هفتم شهر تاکستان است. روش تحقیق توصیفی-همبستگی، نوع تحقیق کاربردی، روش اجرا پیمایشی و روش جمع آوری داده ها میدانی می باشد. جامعه آماری این تحقیق را دانش آموزان پایه هفتم مدارس شهر تاکستان تشکیل می دهد که تعداد آنها بر طبق آمار اداره مربوطه ۱۴۰ نفر است. برای انتخاب حجم نمونه آماری از جدول مورگان استفاده گردید. که تعداد ۱۰۳ نفر به طور تصادفی طبقه ای با توجه به حجم جامعه آماری مورد نظر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه استاندارد اشتیاق تحصیلی فردریکز، بلومنفیلد ۲۰۰۴ و پرسشنامه محقق ساخته بررسی دموکراسی آموزش که پایایی و روایی آن در سوابق تحقیق و پژوهش حاضر مورد تایید قرار گرفته است، استفاده شد. به منظور تحلیل داده های پژوهش از روشهای آمار توصیفی و در جهت تحلیل فرضیه های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج بررسی ها نشان داد که بین وجود دموکراسی در آموزش با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده آزادی خواهی (۰,۴۰۹) بیشترین تاثیر و مراودات اثر بخش (۰,۱۹۶) کمترین تاثیر را داشتند.

واژه های کلیدی: دموکراسی آموزشی، اشتیاق تحصیلی، دانش آموزان پایه هفتم

مقدمه

در حالی که ما در آستانه دوران جدید زندگی جمعی قرار گرفته ایم جهت ورود به عصر جدید اصلاحات آموزشی مفصلی مورد نیاز است. برای نخستین بار در این سده دموکراسی جایگاه خود را به دست آورده است. در گذشته ما امکانات مربوط به ۱۲ سال تعلیمات عمومی را برای فرزندان مان ایجاد نمی کردیم. تا قبل از این ما حق رای را بدون توجه به جنسیت، نژاد و قوم برای همه مردم قابل نمی شدیم

دو حق جهانشمول یعنی حق رای و حق آموزش و پرورش از حقوق قطعی و گریزناپذیر انسان ها هستند. یکی بدون دیگری توهمی خطرناک است. حق رای بدون حق تعلیم و تربیت به جای اینکه به دموکراسی و پیروی از قانون و موسسات مردم نهاد منجر شود به اوباش سالاری منتهی می شود. جان دیوئی، مری و فیلسوف بزرگ امریکایی در ابتدای این قرن به این مورد اشاره کرده است. او در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت ۱۹۱۶ برای نخستین بار این دو مفهوم را به هم پیوند زد تا در پرتو هم منجر به رشد و نمو همدیگر شوند. پیام انقلابی کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت آن بود که جامعه دموکراتیک باید فرصت های تربیتی مساوی را نه تنها فراهم کردن آموزش عمومی و تعداد سال های تحصیل از نظر کمی بلکه باید از بعد کیفی هم بدون هیچ استثنایی ساز و کارهای آموزش را برای همگان فراهم کند. ما از رسیدن به اهداف مورد نظر دیوئی باز مانده ایم. اگر تاکنون به علت بزرگ بودن چالش ها، شکست در رسیدن به آن اهداف پذیرفتنی بود اما من بعد هزینه ادامه این روند یعنی این نوع شکست ها و ناکامیهای ما نمی تواند به آسانی قابل پرداخت باشد. کارکرد مناسب نهادهای سیاسی اجتماعی، صنعتی و تجاری، حفظ و نجات اقتصاد و نمو فرهنگ، علی الخصوص آینده فرزندان مان همه و همه وابسته به توجه به این روند بوده و موفقیت در آن از اولویت های مهم است.

دلایل مستدلی در دست نیست برای اینکه چرا نتایج تلاش هایی که باید منجر به کیفیت می شد به از دست دادن کیفیت منجر می شود. دو دهه بعد از جان دیوئی، متفکر دیگر امریکایی «مانیارد هات چاین» به همان اندازه دیوئی بر مواضع او پافشاری کرد و معتقد بود که اصول اساسی که ما امروزه در برنامه ها باید دنبال کنیم این است که باید به دنبال برابری واقعی در موقعیت های یادگیری باشیم و شعار بهترین آموزش برای بهترین ها باید به شعار بهترین آموزش برای همه تغییر پیدا کند. شکل بهترین تعلیم و تربیت برای بهترین ها با روح تعهدات دموکراسی همخوانی نداشته و به اصول برابری طلبانه آن پایبند نیست.

برخی انسان ها و حتی ذهنیت بیشتر مردم ما بر این باور هستند که بچه های دیگر ملل یا بعضی از ملل آموزش پذیر نیستند. شاید برای بعضی از شغل ها برخی ها حرفه پذیر نباشند. اما این به آن معنی نیست که آنها برای وظایفی از جمله خود رهبری شهروندی، روابط عاطفی، اجتماعی و سلامت روحی و... که لازمه یک زندگی اجتماعی نرمال است آموزش پذیر نیستند. ما باید یک بار برای همیشه دو گانگی و نفاق در گفتار و کردار را در زندگی ملی کنار بگذاریم. ما نمی توانیم از یک طرف بر دموکراسی و موسسات آزاد و آزادی سیاسی و شهروندی برای همگان پافشاری کنیم و از طرف دیگر معتقد باشیم که کمتر از نیمی از دانش آموزان استعداد پذیرش آموزش های لازم برای یک شهروند کامل را دارند و باید از ساز و کارهای لازم آموزش برخوردار باشند. به استثنای عده یی اندک که از نارسایی های مغزی رنج می برند همه دانش آموزان بیشتر از ظرفیت هایشان قابل پرورش هستند. در اینجا منظور پرورش است نه صرفا حرفه پذیر یا تربیت پذیر: همان گونه که جان دیوئی یک قرن پیش اظهار داشت کارآموزی و آموزش حرفه یی صرف نمی تواند به معنای پرورش آزاد مردان و آزاد زنان باشد. در واقع دانش آموزان به درجات مختلف آموزش پذیر هستند.

اما این تفاوت ها نباید منتج از تفاوت در ارائه کیفیت آموزش باشد. اگر بهترین آموزش برای بهترین ها بهترین سبک آموزش در جامعه باشد این به معنای شکست و بازماندن از اهداف و این شکست صرفا شکست دانش آموزان نیست بلکه شکست نیمی از جامعه از جامعه، والدین، مدیران و... است که در مسوولیت هایشان ناموفق بوده اند. ارائه کیفیت یکسان در آموزش مستلزم برنامه یی است که دربر گیرنده جنبه های عمومی و فردی و در مجموع تفاهم و احترام فراگیر برای همه افراد باشد. تخطی از این موارد به معنی تایید نابرابری است و زمینه یی را فراهم می کند تا عده یی از دانش آموزان پرورش شان را در سطحی

پایین دنبال کنند. برنامه های تخصصی باید مربوط به سطوح آموزش های پیشرفته در سطح کالج ها، دانشگاه ها، مدارس حرفه ای و معطوف به آموزش حرفه و... بوده و مناسب آموزش عمومی نیستند. مضافا اینکه جهت کسب صلاحیت در زبان انگلیسی همچون زبان فراگیر آموزش عمومی باید استفاده از زبان دوم یعنی زبان مادری را پذیرفته و شرایط آموزش آن را فراهم کند. (دمکراسی در آموزش و پرورش - مورتیمر جروم آدلر - مترج منصور پرنودی)

بیان مسأله

در جامعه پیشرفته جدید، توسعه و بقای آموزش و پرورش دموکراتیک و مردم سالاری نیاز به تربیت انسان های آگاه، بردبار، توسعه یافته و بسیار آزاداندیش دارد. تا زمانی که در جامعه به مسائل اخلاقی توجه نشود، نمی توان به تعلیم و تربیت آزاد و خلاق دست یافت. به عقیده جان دیویی زمانی که انسان ها دموکراسی را پذیرفتند، به این مفهوم است که آنها توان شناختن سود و زیان خود را دارند و در امر شناختن همیشه محتاج راهنما و رهبر نیستند. او معتقد است که جدا کردن فرد از جامعه تنها با یک دروغ انتزاعی ممکن است و تربیت را یک جریان اجتماعی می دانند. اگر جامعه ای که کودک در آن زندگی می کند دارای نظام دموکراسی باشد، در این نظام فرد در حال تصمیم گیری و انتخاب است و این آزادی و انتخاب را باید در مدرسه آزمایش کرده و بیاموزد. دموکراسی بدون تربیت مدنی، خود به خود شرایط خودکامگی را فراهم می آورد و در نهایت مدنیت و مردم سالاری از بنیاد دگرگون شده و به ضد خود تبدیل می شود. بخشی از معلمانی که خود نیز از بینش علمی و منش انسانی دموکراتیک برخوردار نیستند، دانش آموزان را به منزله اشیاء یا مواد خاصی که باید در چارچوب اندیشه و سلیقه آنها شکل بگیرند، تلقی می کنند. دموکراسی با بزرگ داشتن و تکریم فردیت انسان، معنای حقیقی خود را می یابد. فردیتی که به نیروی عقل خود بنیاد پرورش یافته است. تنها با این تربیت است که فرد می تواند در جامعه آزاد زندگی کند (اله وردی و همکاران، ۱۳۹۶).

آموزش و پرورش عهده دار برآوردن نیاز افراد در بخش آموزش است و باید زمینه های لازم برای ایجاد چنین جامعه ای که مسائل آموزشی برایشان اهمیت دارد، را فراهم سازد. به وسیله آموزش، با تاکید بر اختیارات انسان و یا آموزش فرهنگ مشارکت و تاکید بر شکوفایی استعداد های آدمی در ابعاد گوناگون، بستر لازم برای بقا و گسترش دموکراسی فراهم می شود (آدایر و داهبرگ، ۲۰۰۳).^۱ دموکراسی و ترویج ساز و کارهای آن، موجب تقویت نهادهای مدنی و شکل گیری تعلیم و تربیت دموکراتیک می شود (اندرسون، ۲۰۰۷).^۲ تعلیم و تربیت دموکراتیک نیز موجب می شود که فرهنگ دموکراسی و اندیشه و رفتار مدنی در جامعه توسعه یابد. هرگاه برای دموکراسی، آموزش درستی ارائه دهیم، به افراد جامعه اجازه داده ایم که همواره به طور مستقل فکر کنند و به اهدافشان برسند، نه اینکه تنها گروهی اندک از آن بهره مند شوند. همچنان که هاموند می گوید آموزش دموکراتیک به مردم این اجازه را می دهد که یکدیگر را درک کرده و در محیطی اجتماعی با یکدیگر زندگی را آغاز نمایند. تربیت که عامل انتقال دانش نیز محسوب می شود، می تواند به صلح و جهانی شدن آن کمک نماید و با این کار دموکراسی را به تحقق برساند. (میرلو، ۱۳۸۷).

اشتیاق تحصیلی یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر عملکرد تحصیلی و یکی از ملزومات یادگیری است که از عوامل مثبت در موفقیت تحصیلی دانش آموزان به شمار می آید و معمولا به عنوان ساختار انگیزشی به کار برده می شود که منعکس کننده تعهد یادگیرنده نسبت به تحصیل است. مفهوم اشتیاق تحصیلی در حوزه روانشناسی مثبت نگر قرار می گیرد و سازه ای است که برای اولین بار جهت درک و تبیین افت و شکست تحصیلی مطرح گردید و به عنوان پایه و اساسی برای تلاشهای اصلاح گرایانه در حوزه تعلیم و تربیت مدنظر قرار گرفت. عملکرد تحصیلی، فرایندی است که با اندازه گیری و قضاوت درباره پیشرفت یاد گیرنده در یک دوره مشخص می شود. در این راستا شناسایی عواملی که باعث رشد و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان می شود مهم است. یکی از این عوامل موثر مفهوم اشتیاق تحصیلی است که دارای سه مولفه می باشد: ۱. یاد

1 Adayer2003

2 Anderson

3 Hamond

گیرنده نسبت به آن عمل، جذب باشد، ۲. وقف خود و ۳. نیرومندی در واقع کسی که انگیزه تحصیلی دارد در حین عملی که انجام می دهد، اتفاقاتی را تجربه می کند، مثلا متوجه گذر زمان نمی شود، از کاری که انجام می دهد لذت می برد و بهره وری بالایی دارد و نکته آخر، ممکن است در حین انجام کار خسته شود ولی کوفته نمی شود، یعنی از انجام آن زجر نمی کشد بلکه بر عکس با انجام آن انرژی لازم را برای ادامه سایر فعالیت ها به دست می آورد. در واقع یکی از عوامل موثر در گرایش افراد به مطالعه و یادگیری، انگیزه پیشرفت کردن است که از انگیزه ی اشتیاق تحصیلی نشأت می گیرد، زیرا در تعریف اشتیاق آمده است که: علت آنچه که، کسی را به کاری وا می دارد. در یک تقسیم بندی کلی اعمال افراد به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. اعمال ارادی و ۲. اعمال انگیزشی و سائقی. اعمال ارادی، کار هایی هستند که آدمی از روی آگاهی انجام می دهد و در آن قصد و هدفی موجود است و اعمال انگیزشی، اعمالی هستند که فقط در صورت تمرین و تکرار رشد نمی کنند بلکه قبل از آنکه افراد شروع به این فعالیت ها از قبیل تفکر، تداعی معانی و استفاده از حافظه کنند، عاملی وجود دارد که افراد را به آن سمت سوق می دهد. دانش آموزانی که اشتیاق تحصیلی داشته باشند، توجه و تمرکز بیشتری در کار ها دارند و به تبع آن عملکرد تحصیلی بهتری خواهند داشت و از رفتار های ناسازگارانه اجتناب می کنند دو منبع در اشتیاق تحصیلی موثر است: منبع اجتماعی و منبع شخصی. از جمله عوامل اجتماعی می توان به عملکرد تحصیلی حمایت شده، روابط حمایتی با همسالان و حمایت خانواده اشاره کرد و از جمله عوامل شخصی می توان به خود کارآمدی، عزت نفس و خوش بینی اشاره کرد که در صورت محیا بودن شرایط باعث بهبود عملکرد فرد و رشد او می شود اما باید به این نکته توجه شود که اگر شخصی نسبت به انجام کاری اشتیاق نداشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد به عارضه ی فرسودگی شغلی تحصیلی مبتلا شود و باید به رابطه اشتیاق به تحصیل و فرسودگی تحصیلی توجه شود. هر چه اشتیاق در کاری بیشتر باشد احتمال موفق شدن فرد در آن کار بیشتر است و هر چه درصد علاقه به کاری کم شود، به تبع آن احتمال بروز فرسودگی نیز بیشتر خواهد بود (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۵).

در حالی که ما در آستانه دوران جدید زندگی جمعی قرار گرفته ایم جهت ورود به عصر جدید به اصلاحات آموزشی مفصلی مورد نیاز است. برای نخستین بار در این سده دموکراسی جایگاه خود را به دست آورده است. در گذشته ما امکانات مربوط به ۱۲ سال تعلیمات عمومی را برای فرزندان مان ایجاد نمی کردیم. تا قبل از این ما حق رای را بدون توجه به جنسیت، نژاد و قوم برای همه مردم قایل نمی شدیم. دو حق جهان شمول یعنی حق رای و حق آموزش و پرورش از حقوق قطعی و گریزناپذیر انسان ها هستند. یکی بدون دیگری توهمی خطرناک است. حق رای بدون حق تعلیم و تربیت به جای اینکه به دموکراسی و پیروی از قانون و موسسات مردم نهاد منجر شود به اوباش سالاری منتهی می شود. جان دیوئی، مربی و فیلسوف بزرگ امریکایی در ابتدای این قرن به این مورد اشاره کرده است. چالش ها، شکست در رسیدن به آن اهداف پذیرفتنی بود اما من بعد هزینه ادامه این روند یعنی این نوع شکست ها او در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت، ۱۹۱۶ برای نخستین بار این دو مفهوم را به هم پیوند زد تا در پرتو هم منجر به رشد و نمو همدیگر شوند. پیام انقلابی کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت آن بود که جامعه دموکراتیک باید فرصت های تربیتی مساوی برای همگان فراهم کند نه اینکه صرفا به فراهم کردن آموزش عمومی و تعداد سال های تحصیل از نظر کمی اکتفا نماید بلکه باید در بعد کیفی هم بدون هیچ استثنایی ساز و کارهای آموزش ر-ا فراهم نماید. ما از رسیدن به اهداف مورد نظر دیوئی باز مانده ایم. اگر تاکنون به علت بزرگ بودن چالش ها، شکست در رسیدن به آن اهداف پذیرفتنی بود اما من بعد هزینه ادامه این روند یعنی این نوع شکست ها و ناکامیابی ها نمی تواند به آسانی قابل پرداخت باشد. کارکرد مناسب نهادهای سیاسی اجتماعی، صنعتی و تجاری، حفظ و نجات اقتصاد و نمو فرهنگ، علی الخصوص آینده فرزندان مان همه و همه وابسته به توجه به این روند بوده و موفقیت در آن از اولویت های مهم است (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۵).

خودمانی ترین تعریف برای کیفیت اجتماعی عبارت است از کیفیت همناخت زندگی برای همه که آن هم مستلزم کیفیت آموزش برای همه است. با ادامه روند گذشته ممکن است موفقیت های جزیی کسب کنیم اما در واقع نیمی از اهداف متحقق شده اند آن هم نیمه مربوط به گسترش کمی در صورتی که ما مستحق توسعه کامل و تمام استعدادهای یک کشور

هستیم. از قصور پیش آمده نباید آسوده خاطر بود و باید بی صبرانه به دنبال تحقق بخشیدن به توسعه کامل تعلیم و تربیت و از راه تعلیم و تربیت باشیم. پیشرفت در مسیر اجرا و برقراری دموکراسی باید به وسیله ابزار تعلیم و تربیت تسریع و تسهیل شود و این مهم یعنی برابری کیفیت تعلیم و تربیت نباید به قرون آینده واگذار شود. نشانه‌ها از هر طرف حاکی از آن است که مردم می‌خواهند دنبال اهالی امروز بیفتند. پس وقت آن رسیده است که اولیا، معلمان ودولتمردان بیشتر از همه اینها خود جوانان به طور موثر و گسترده نسبت به کاهش کیفیت آموزش عمومی اظهارنظر کنند.

در دنیای مدرن امروز، باید به مفید بودن دانش، اطلاعات مدرسه، الگوهای ارائه شده و انطباق آن با ارزش‌های جامعه توجه کرد. با توجه به تحولات سریع جامعه، نوسازی نظام آموزشی را باید جدی گرفت. پیشرفت علم و فناوری، اصلاح و تجدید نظر در منابع آموزشی، محتوای کتاب‌های درسی، شیوه‌های تدریس و تعریف از آموزش و پرورش را ایجاب می‌کنند و با توجه به سرعت زیاد تغییر اطلاعات، غفلت از این اصلاح باعث عقب ماندن از دنیای مدرن و دموکراسی آموزشی خواهد شد. آموزش و پرورش مهمترین ثروتی است که در جامعه توزیع شده و به مدد آن، مردم توانسته‌اند مشکلات خود را تحلیل کنند و استعدادهای خود را پرورش دهند، ولی فراموش نکنیم که برخورداری از آموزش و پرورش یکسان در نهایت به نتایج تحصیلی برابر، ختم نمی‌شود. زیرا برخی از گروه‌های مردم از امتیازات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار هستند و به آنها امکان می‌دهد تا بیشتر و جلوتر از بقیه رشد کنند که به نوعی تبعیض دامن می‌زند. نقش شگفت انگیز آموزش و پرورش در زندگی انسان، بر هیچ کس پوشیده نیست و تاکنون ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند، فرد را مطلوب و به اوج ارزش برساند و اگر غلط افتد، وی را به سقوط کشاند. با توجه به اینکه در دانش آموزان دوره متوسطه اول به لحاظ رشد جسمانی و عقلانی تغییرات روحی ایجاد می‌شود و با عوض شدن محیط مدرسه نگرانی و دغدغه‌هایی برای دانش آموزان بوجود می‌آید، و همچنین سبک رفتاری معلمان با دانش آموز متفاوت از دوره قبل است، بر این اساس و به لحاظ نوع آموزش و مداخله آنها جهت ارتقاء و حفظ اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان ضرورت بیشتری پیدا می‌کند و انجام چنین پژوهشی ضرورت دارد. بنابراین پژوهشگر قصد دارد در این پژوهش به بررسی رابطه دموکراسی آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان بپردازد.

اهداف تحقیق

هدف کلی :

بررسی رابطه دموکراسی آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه شهر تاکستان

اهداف جزئی :

۱. تعیین رابطه پاسخ خواهی اجتماعی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۲. تعیین رابطه کرامت انسانی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۳. تعیین رابطه شفافیت آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۴. تعیین رابطه مرادوات اثربخش با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۵. تعیین رابطه فرهنگ آزادی خواهی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۶. تعیین رابطه انعطاف پذیری با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان.
۷. پیش بینی اشتیاق تحصیلی دانش آموزان از طریق دموکراسی آموزشی آنها.

فرضیه‌های تحقیق :

فرضیه اصلی:

دموکراسی آموزشی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

فرضیه های فرعی:

۱. پاسخ خواهی اجتماعی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.
۲. کرامت انسانی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

۳. شفافیت آموزشی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

۴. مرادوات اثربخش دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

۵. فرهنگ آزادی خواهی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

۶. انعطاف پذیری دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

۷. دموکراسی آموزشی دانش آموزان می تواند اشتیاق تحصیلی آنها را پیش بینی کند.

پیشینه تحقیق

اله وردی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان ((مقایسه مولفه های دموکراسی آموزشی و مهارت های شهروندی)) انجام داد. نتایج نشان داد که میزان مهارت های شهروندی و نمرات دموکراسی آموزشی در بین دانش آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معناداری دارد.

قلتاش و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان ((مقایسه دموکراسی آموزشی، فرسودگی تحصیلی و مهارت های شهروندی در بین مدارس دولتی و غیر دولتی ناحیه یک آموزش و پرورش شهر شیراز)) به بررسی اثرات دموکراسی آموزشی پرداختند. نتایج نشان داد بین دموکراسی آموزشی و مهارت شهروندی در مدارس دولتی و مدارس غیردولتی تفاوت وجود دارد. بین فرسودگی تحصیلی در مدارس دولتی و مدارس غیردولتی تفاوت وجود ندارد. نتایج نشان داد بین دموکراسی آموزشی و مهارت شهروندی در مدارس دولتی و مدارس غیردولتی تفاوت وجود دارد. بین فرسودگی تحصیلی در مدارس دولتی و مدارس غیردولتی تفاوت وجود ندارد.

اسلامی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مدل یابی علی اشتیاق تحصیلی بر مبنای منابع شخصی و منابع اجتماعی در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه امیر کبیر پرداختند. این پژوهش با هدف مدل یابی علی اشتیاق تحصیلی بر مبنای منابع شخصی و منابع اجتماعی می باشد. تجزیه و تحلیل ها نشان داد که عملکرد تحصیلی حمایت شده، خود کارامدی و عزت نفس مستقیماً بر اشتیاق تحصیلی اثر دارند. همچنین منابع اجتماعی به شکل غیر مستقیم و از طریق منابع شخصی با اشتیاق تحصیلی ارتباط داشتند. با بررسی تعدادی از شاخص های تعیین برآزش مدل آزمون شد. بررسی شاخص های تعیین اعتبار مدل، حکایت از مناسبت و کفایت مدل نهایی داشت.

نظری و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی را با عنوان ((اثربخشی سبک مدیریت دموکراسی قانون مدار کلاس درس بر میزان عزت نفس دانش آموزان پسر)) انجام دادند. با به کارگیری سبک های مدیریت کلاس می توان رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نمود و با ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری، شرکت دانش آموزان را در فعالیت های یادگیری افزایش داد. افزون بر این، به کارگیری سبک های مدیریت کلاس درس، میزان عزت نفس دانش آموزان را، که زندگی آن ها را در تمامی ابعاد تحت تأثیر قرار می دهد، افزایش می دهد. با نظر به این مهم، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی سبک مدیریت دموکراسی قانون مدار کلاس درس بر میزان عزت نفس دانش آموزان پسر پایه سوم متوسطه انجام شد. جامعه آماری در این پژوهش آزمایشی، دانش آموزان پسر سال سوم متوسطه شهر آبدانان در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند و نمونه مورد مطالعه ۳۸ نفر بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت بود. داده های به دست آمده با استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. طرح پژوهش از نوع آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه بود، که پس از انتخاب تصادفی گروه های آزمایشی و گواه، مداخله آزمایشی (سبک مدیریت دموکراسی قانون مدار) بر روی گروه آزمایش به مدت هفت جلسه ۹۰ دقیقه ای و دوبار در هفته اجرا شد. پس از اتمام برنامه آموزشی از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد. نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیره نشان داد که به کارگیری سبک مدیریت دموکراسی قانون مدار در کلاس درس بر افزایش میزان عزت نفس (شامل خرده مقیاس عمومی، خانوادگی، اجتماعی، و شغلی - تحصیلی) دانش آموزان پسر در مرحله پس آزمون موثر بوده است.

فلتاش و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی دموکراسی آموزشی در مدارس و تأثیر آن بر رشد مهارت تفکر انتقادی و اجتماعی» در دانش آموزان دوره متوسطه اول انجام دادند. هدف آنها مقایسه مولفه‌های دموکراسی آموزشی در مدارس غیر انتفاعی و دولتی بود. آنها از روش تحقیق توصیفی از نوع زمینه‌یابی و علی مقایسه‌ای استفاده کردند. جامعه آماری آنها شامل کلیه معلمان و دانش آموزان دوره راهنمایی در سال ۹۱-۹۲ بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مولفه دموکراسی آموزشی، گرایش به تفکر ریگتس و مهارت اجتماعی ایندربیتزم و فوستر بود. آنها از آزمون t تست گروه‌های مستقل، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کردند. نتایج نشان داد که بین مدارس غیر انتفاعی و دولتی دوره راهنمایی از لحاظ میزان برخورداری از مولفه‌های دموکراسی آموزشی تفاوت معناداری وجود داشت و مدارس غیر انتفاعی از وضعیت بهتری برخوردار بودند، همچنین بین نمره تفکر انتقادی و مهارت اجتماعی دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی و دولتی تفاوت معنادار بود، در کل در هر دو مورد نمرات دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی بهتر بود. سادا و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را تحت عنوان «برداشت از دموکراسی در میان معلمان آموزش اسلامی در دبیرستان‌های عرب رژیم صهیونیستی» انجام دادند. این مطالعه کیفی درک دموکراسی و شهروندی را در بین ۱۴ معلم آموزش دینی اسلامی در مدارس عربی و متوسطه بررسی می‌کند. این دانش چگونگی برداشت معلمان مذهبی (مسلمان) از معنای دموکراسی و آموزش شهروندی را گسترش می‌دهد. موضوع اول به انتقاد از دموکراسی می‌پردازد: ۱. قومی-سیاسی (شکست رژیم‌های دموکراتیک، از جمله رژیم صهیونیستی، در حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی). ۲. معرفتی (نقص قاعده اکثریت در تضمین زندگی عادلانه و منصفانه برای همه شهروندان)؛ ۳. کلامی (اخلاقی). موضوع دوم موانع فرهنگی دستیابی به دموکراسی در جامعه عرب در فلسطین اشغالی و سهم احتمالی تعلیمات اسلامی در عیب‌یابی و غیرشخصی سازی معنی و عمل دموکراسی در این جامعه را برجسته می‌کند.

داهلوم و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی «تأثیر دموکراسی بر کیفیت آموزش» پرداختند. در این پژوهش، دموکراسی از نظر فراهم کردن امکان دسترسی به آموزش، به طور گسترده‌ای برتر از خودکامگی تلقی و نشان داده شد که دموکراسی باعث افزایش مثبت نام در تحصیل و سال‌های تحصیل می‌شود. آنها از یک مجموعه داده استفاده کردند که آزمون‌های بین‌المللی دانشجویی را برای ۱۲۸ کشور از سال ۱۹۶۵ به بعد مقایسه می‌کند. آنها اظهار داشتند که در حالیکه دموکراسی‌ها به طور معمول آموزش «بیشتری» نسبت به خودکامگی‌ها ارائه می‌دهند، هیچ مدرک منظمی مبنی بر ارائه آموزش بهتر در دموکراسی‌ها وجود ندارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است؛ این تحقیق از آن جهت کاربردی است که به دنبال بررسی رابطه دموکراسی آموزشی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه شهر تاکستان است و نتایج آن می‌تواند به طور عملی در سازمان آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس دسته‌بندی تحقیقات برحسب ماهیت تحقیق، پژوهش حاضر تحلیل توصیفی-همبستگی چون شرایط پدیده‌ها را بصورت صحیح و سیستماتیک بررسی می‌کند. شیوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است چون به بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه از طریق گردآوری داده می‌پردازد. و دسته‌بندی تحقیقات برحسب نوع داده‌ها، پژوهش حاضر کمی است جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه شهر تاکستان تشکیل می‌دهد که تعداد آنها بر طبق اداره مربوطه ۱۴۰ نفر می‌باشند. برای انتخاب حجم نمونه آماری از جدول مورگان استفاده گردیده که تعداد ۱۰۳ نفر به طور تصادفی طبقه‌ای (چون تعداد دانش آموزان دختر و پسر مشخص نیست بهترین روش می‌باشد) با توجه به حجم جامعه آماری مورد نظر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

⁴ Survey method

روش تجزیه و تحلیل داده ها

آمار استنباطی مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از آزمون کولموگروف جهت بررسی نرمال بودن داده ها ، جهت بررسی فرضیه های پژوهش که رابطه بین دکراسی آموزشی و اشتیاق تحصیلی است از ضریب همبستگی اسپیر من (ناپارامتریک) / پیرسون (پارامتریک) استفاده می شود. چون بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون K-S شکل توزیع داده ا طبیعی بوده است از آزمون پیرسون جهت محاسبه ضریب همبستگی استفاده گردید ضمنا آزمون رگرسیون جهت تحلیل فرضیه شماره ۷ به کار گرفته شد.

یافته ها

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت ارزیابی نرمال بودن داده ها

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف			شاخص های آماری متغیر
سطح معنی داری	n	Z کولموگروف - اسمیرنوف	
۰/۰۵۵	۱۰۳	۰/۸۲۶	کرامت انسانی
۰/۰۶۱	۱۰۳	۱/۰۰	مراودات
۰/۰۷۲	۱۰۳	۰/۸۸۹	انعطاف پذیری
۰/۰۵۴	۱۰۳	۱/۳۲۲	آزادی خواهی
۰/۰۷۲	۱۰۳	۱/۷۲۱	شفافیت آموزشی
۰/۰۸۸	۱۰۳	۰/۸۷۸	پاسخ خواهی

همان گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، با توجه به سطح معنی داری در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، فرض بهنجاری توزیع نمره های متغیرهای تحقیق در جامعه مورد پژوهش تأیید گردید.

جدول ۲. نحوه داوری میزان عددی ضریب همبستگی

مقدار	نحوه داوری
۰ - ۰/۲۵	همبستگی مستقیم - ضعیف
۰/۲۵ - ۰/۵	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی
۰/۵ - ۰/۷۵	همبستگی مستقیم - شدید
۰/۷۵ - ۱	همبستگی مستقیم - بسیار شدید
۰	همبستگی وجود ندارد
۰ - -۰/۲۵	همبستگی معکوس - ضعیف
-۰/۲۵ - -۰/۵	همبستگی معکوس - نسبتاً شدید
-۰/۵ - -۰/۷۵	همبستگی معکوس - شدید
-۰/۷۵ - -۱	همبستگی معکوس - بسیار شدید

فرضیه اول : پاسخ خواهی اجتماعی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین پاسخ خواهی و اشتیاق تحصیلی

پاسخ خواهی اجتماعی	اشتیاق تحصیلی	پاسخ خواهی اجتماعی
۰/۲۳۹ Sig(.000)	۱	اشتیاق تحصیلی
۱	۰/۲۳۹ Sig(.000)	پاسخ خواهی اجتماعی

فرضیه دوم: کرامت انسانی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین کرامت انسانی و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	کرامت انسانی	
۰/۲۳۵ Sig(.000)	۱	کرامت انسانی
۱	۰/۲۳۵ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

فرضیه سوم: شفافیت آموزشی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین شفافیت آموزشی و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	شفافیت آموزشی	
۰/۲۲۱ Sig(.000)	۱	شفافیت آموزشی
۱	۰/۲۲۱ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

فرضیه چهارم: مراودات اثربخش دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین مراودات اثر بخش و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	مراودات اثر بخش	
۰/۱۹۶ Sig(.000)	۱	مراودات اثر بخش
۱	۰/۱۹۶ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

فرضیه پنجم: فرهنگ آزادی خواهی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فرهنگ آزادی خواهی و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	فرهنگ آزادی خواهی	
۰/۴۰۹ Sig(.000)	۱	فرهنگ آزادی خواهی
۱	۰/۴۰۹ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

فرضیه ششم: انعطاف پذیری دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون انعطاف پذیری و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	انعطاف پذیری	
۰/۲۶۶ Sig(.000)	۱	انعطاف پذیری
۱	۰/۲۶۶ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

فرضیه هفتم: دمکراسی آموزشی دانش آموزان می تواند اشتیاق تحصیلی آنها را پیش بینی کند.
جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی پیرسون دمکراسی آموزشی و اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی	دمکراسی آموزشی	
۰/۲۳۸ Sig(.000)	۱	دمکراسی آموزشی
۱	۰/۲۳۸ Sig(.000)	اشتیاق تحصیلی

جدول ۱۰. آزمون رگرسیون برای تمامی فرضیات

ضریب اثر	سطح معناداری	آماره تی	مدل
۰,۲۳۵	۰,۰۰	۳,۵۴۷	کرامت انسانی
۰,۱۹۶	۰,۰۰	۲,۷۰۳	مراودات اثر بخش
۰,۲۶۶	۰,۰۰	۴,۱۳۱	انعطاف پذیری
۰,۴۰۹	۰,۰۰	۶,۳۵۳	آزادی خواهی
۰,۲۲۱	۰,۰۰	۳,۱۲۳	شفافیت آموزشی
۰,۲۳۹	۰,۰۰	۴,۵۰۳	پاسخ خواهی
۰,۲۳۸	۰,۰۰	۳,۱۲۱	دموکراسی

نتیجه گیری

در جامعه پیشرفته جدید، توسعه و بقای آموزش و پرورش دموکراتیک و مردم سالاری نیاز به تربیت انسان‌های آگاه، بردبار، توسعه یافته و بسیار آزاداندیش دارد. تا زمانی که در جامعه به مسائل اخلاقی توجه نشود، نمی‌توان به تعلیم و تربیت آزاد و خلاق دست یافت. به عقیده جان دیویی زمانی که انسان‌ها دموکراسی را پذیرفتند، به این مفهوم است که آنها توان شناختن سود و زیان خود را دارند و در امر شناختن همیشه محتاج راهنما و رهبر نیستند. او معتقد است که جدا کردن فرد از جامعه تنها با یک دروغ انتزاعی ممکن است و تربیت را یک جریان اجتماعی می‌داند. اگر جامعه‌ای که کودک در آن زندگی می‌کند دارای نظام دموکراسی باشد، در این نظام فرد در حال تصمیم‌گیری و انتخاب است و این آزادی و انتخاب را باید در مدرسه آزمایش کرده و بیاموزد. دموکراسی بدون تربیت مدنی، خود به خود شرایط خودکامگی را فراهم می‌آورد و در نهایت مدنیت و مردم سالاری از بنیاد دگرگون شده و به ضد خود تبدیل می‌شود. از طرفی بخشی از معلمانی که خود نیز از بینش علمی و منش انسانی دموکراتیک برخوردار نیستند، دانش آموزان را به منزله اشیاء یا مواد خاصی که باید در چارچوب اندیشه و سلیقه آنها شکل بگیرند، تلقی می‌کنند. دموکراسی با بزرگ داشتن و تکریم فردیت انسان، معنای حقیقی خود را می‌یابد. فردیتی که به نیروی عقل خود بنیاد پرورش یافته است. تنها با این تربیت است که فرد می‌تواند در جامعه آزاد زندگی کند(اله وردی و همکاران، ۱۳۹۶).

آموزش و پرورش عهده دار برآوردن نیاز افراد در این زمینه است و باید زمینه‌های لازم برای ایجاد چنین جامعه‌ای را فراهم سازد. به وسیله آموزش، با تاکید بر اختیارات انسان و یا آموزش فرهنگ مشارکت و تاکید بر شکوفایی استعدادهای آدمی در ابعاد گوناگون، بستر لازم برای بقا و گسترش دموکراسی فراهم می‌شود (آدایر، ۲۰۰۳).^۵ دموکراسی و ترویج ساز و کارهای

⁵ Adayer2003

آن، موجب تقویت نهادهای مدنی و شکل‌گیری تعلیم و تربیت دموکراتیک می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۷).^۶ تعلیم و تربیت دموکراتیک نیز موجب می‌شود که فرهنگ دموکراسی و اندیشه و رفتار مدنی در جامعه توسعه یابد. هرگاه برای دموکراسی، آموزش درستی ارائه دهیم، به افراد جامعه اجازه داده‌ایم که همواره به طور مستقل فکر کنند و به اهدافشان برسند، نه اینکه تنها گروهی اندک از آن بهره‌مند شوند. همچنان که هاموند^۷ می‌گوید آموزش دموکراتیک به مردم این اجازه را می‌دهد که یکدیگر را درک کرده و در محیطی اجتماعی با یکدیگر زندگی را آغاز نمایند. تربیت که عامل انتقال دانش نیز محسوب می‌شود، می‌تواند به صلح و جهانی شدن آن کمک نماید و با این کار دموکراسی را به تحقق برساند. (میرلو، ۱۳۸۷).

در دنیای مدرن امروز، باید به مفید بودن دانش، اطلاعات مدرسه، الگوهای ارائه شده و انطباق آن با ارزش‌های جامعه توجه کرد. با توجه به تحولات سریع جامعه، نوسازی نظام آموزشی را باید جدی گرفت. اشتیاق تحصیلی یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر عملکرد تحصیلی و یکی از ملزومات یادگیری اشتیاق تحصیلی است که از عوامل مثبت در موفقیت تحصیلی دانش آموزان به شمار می‌آید و معمولاً به عنوان ساختار انگیزشی به کار برده می‌شود که منعکس کننده تعهد یادگیرنده نسبت به تحصیل است. مفهوم اشتیاق تحصیلی در حوزه روانشناسی مثبت نگر قرار می‌گیرد و سازه‌ای است که برای اولین بار جهت درک و تبیین افت و شکست تحصیلی مطرح گردید و به عنوان پایه و اساسی برای تلاش‌های اصلاح‌گرایانه در حوزه تعلیم و تربیت مدنظر قرار گرفت. عملکرد تحصیلی، فرایندی است که با اندازه‌گیری و قضاوت درباره پیشرفت یادگیرنده در یک دوره مشخص می‌شود.

پژوهش حاضر ارتباط بین دموکراسی آموزشی و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان را مورد سنجش قرار می‌دهد و متناسب با فرضیات مطرح شده برای این پژوهش، تاثیر هفت متغیر مستقل بر اشتیاق تحصیلی سنجیده می‌شود. برای این منظور، در مرحله اول به جستجوی ادبیات تحقیق و مدل‌های پیشین که در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته مراجعه شد و تحقیقات محققان داخلی و خارجی که در دسترس بود مطالعه و مورد استفاده قرار گرفت. لازم به ذکر است که کارهای بسیار کمی در این رابطه مشاهده گردید. سپس با توجه به اینکه یک پرسشنامه استاندارد در دسترس بود، پرسشنامه استاندارد فردریکرز ۲۰۰۴، و پایایی و روایی آن قبلاً مورد سنجش قرار گرفته بود، به عنوان یکی از پرسشنامه‌های اصلی پژوهش انتخاب شد و به دلیل نبودن پرسشنامه در باره دموکراسی، پرسشنامه دوم از طریق مساعدت اساتید راهنما و مشاور طراحی گردید که شامل ۲۴ سوال می‌باشد و روایی آن تایید شد. جهت اطمینان بیشتر هر دو پرسشنامه به تعداد بیست نمونه در جامعه آماری مدنظر توزیع گردید و نتایج آن با استفاده از نرم افزار اسپاس پی اسپاس مورد سنجش قرار گرفت که پایایی و روایی پرسشنامه مورد تایید واقع گردد. پس از تایید روایی، پرسشنامه به صورت انبوه و به صورت تصادفی طبقه‌ای در جامعه آماری توزیع شد. تعداد جامعه آماری بر اساس اطلاعات دریافتی از اداره آموزش و پرورش تاکستان ۱۴۰ نفر دانش آموز دختر و پسر در پایه هفتم بود که طبق جدول مورگان ۱۰۳ نفر به صورت تصادفی به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری داده‌های آماری از طریق آزمون کولموگروف (آزمون نرمال بودن) مشخص گردید که داده‌های به دست آمده نرمال هستند و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد که از آزمون رگرسیون در اینجا استفاده گردید و بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار مشاهده گردید که تمام متغیرهای مستقل به یک میزان مشخصی بر روی متغیر وابسته که اشتیاق تحصیلی است تاثیر مثبت معناداری دارد که به تفصیل بیان شده است.

پاسخ‌خواهی اجتماعی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۳)؛ همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین پاسخ‌خواهی اجتماعی و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و

⁶ Anderson 2007

⁷ Hamond

فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در پژوهش اله وردی ۱۳۹۶، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است.

در این زمینه پیسنهاد می شود که با ایجاد یک ارتباط صمیمی با دانش آموزان و توجه به نیازهای آنها زمینه تشویق بیشتر را فراهم نماییم.

کرامت انسانی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۴)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین کرامت انسانی و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود.

در پژوهش قانونی ۱۳۹۵، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. با حفظ شئن و منزلت دانش آموزان و برخورد مناسب با آنها و احترام اجتماعی می توان زمینه اشتیاق تحصیلی را فراهم نمود.

شفافیت آموزشی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۵)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین شفافیت آموزشی و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در پژوهش نعیمی و همکاران ۱۳۹۱، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. با ارائه مناسب مطالب آموزشی بکارگیری دبیران خبره و متخصص می توان مطالب آموزشی را بصورت واضح و ساده تر بیان نمود و این عامل باعث درک بهتر دانش آموز خواهد شد.

مراودات اثربخش دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۶)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین مراودات اثر بخش دانش آموزان و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در قلتاش ۱۳۸۸، قلتاش و همکاران ۱۳۹۳، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. با ایجاد ارتباط بیشتر با دانش آموزان از طریق برگزاری اردوهای تفریحی، آموزشی و علمی امکان تعامل بیشتر با دانش آموزان فراهم میشود.

فرهنگ آزادی خواهی دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۷)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین فرهنگ آزادی خواهی دانش آموزان و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در پژوهش اله وردی ۱۳۹۶، قلتاش ۱۳۸۸، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. توجه به این عامل که دانش آموز دارای نیازهای اجتماعی می باشد و عدم اعمال فشار برای یک سری از قوانین که امکان انعطاف برای آنها وجود دارد می توان دانش آموزان را به ترغیب بیشتر برای تحصیل علاقمند نمود.

انعطاف پذیری دانش آموزان با اشتیاق تحصیلی آنها رابطه دارد.

با توجه به جدول (۸)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین انعطاف پذیری و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در پژوهش نظری ۱۳۹۴، نعیمی و همکاران ۱۳۹۱، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. می توان از طریق ارائه امکانات آموزشی برای دانش آموزان از قدرت خلاقیت آنها استفاده نمود و باعث شد از ظرفیت های پنهان خود برای حل مسائل و موضوعات آموزشی استفاده کنند.

دمکراسی آموزشی دانش آموزان می تواند اشتیاق تحصیلی آنها را پیش بینی کند.

با توجه به جدول (۹)؛ همان گونه که مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون برای روابط بین دمراسی آموزشی و اشتیاق تحصیلی برابر صفر و کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر آماری مبنی بر عدم ارتباط دو به دوی متغیرها با هم رد و فرض پژوهش مبنی بر ارتباط آنها تأیید می شود. در پژوهش اله وردی ۱۳۹۶، بلغت ۱۳۹۲، نیز فرضیه مورد نظر بررسی و مورد تایید قرار گرفته است.

با توجه به اینکه در جدول ۱۰، آماره تی تک تک ابعاد بالاتر از ۱/۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد نشان می دهد که دمکراسی آموزشی بر اشتیاق تحصیلی اثرگذار است. در حالت کلی باید به موضوع دمکراسی آموزشی برای دانش آموزان توجه ویژه ای داشت و با ایجاد زمینه های لازم از هر لحاظ (آموزشی، اجتماعی، پژوهشی، کمک های مالی و ...) زمینه اشتیاق دانش آموزان به درس را فراهم نمود.

منابع

- اله وردی، علی، (۱۳۹۶)، مقایسه مولفه های دمکراسی آموزشی و مهارت های شهروندی دانش آموزان دختر متوسطه نظری دولتی و غیر انتفاعی شهر کهنوج، پایان نامه کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- اسلامی، محمد علی، درناج، فریبرز، سعدی پور، اسماعیل، دلاور، علی، (۱۳۹۵)، مدل میایی علی اشتیاق تحصیلی بر مبنای منابع شخصی و منابع اجتماعی در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه امیر کبیر، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، زمستان ۹۵، دوره ۷، شماره ۲۸.
- عباسی، مسلم؛ پیرانی، ذبیح؛ رزمجویی، لاله؛ بنیادی، فرزانه. (۱۳۹۴). نقش تعقل ورزی و خودتنظیمی انگیزشی در پیش بینی اشتیاق رفتاری دانشجویان. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۸، (۵)، ۳۰۰-۲۹۵.
- قانونی، رسول، (۱۳۹۵)، مقایسه دمکراسی آموزشی، فرسودگی تحصیلی و مهارت های شهروندی در مدارس دولتی و غیر دولتی ناحیه یک آموزش و پرورش شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- قلاتاش، عباس. طاهری، عبدالمحمد، مراحل، فاطمه، (۱۳۹۳)، دمکراسی آموزشی در مدارس و تأثیر آن بر رشد مهارت تفکر انتقادی و اجتماعی دانش آموزان دوره متوسطه اول، مجله علوم تربیتی و روانشناسی (شناخت اجتماعی) دوره ۳ شماره ۲
- قدم پور، عزت اله، فرهادی، علی، نقی بیرانوند، فاطمه، ۱۳۹۵، تعیین رابطه بین فرسودگی تحصیلی با اشتیاق و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان
- نعامی، عبدالزهر؛ پیریایی، صالحه (۱۳۹۱)، رابطه ابعاد انگیزش تحصیلی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبیرستان های شهر اهواز، نشریه پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۶، شماره ۱۶، ۲۳- صفحه ۲۹ - ۴۲
- نظری، حشمت اله، امینی منش، سجاد، پارسا، عبدالله، شیخی، سعید، (۱۳۹۴)، اثربخشی سبک مدیریت دمکراسی قانون مدار کلاس درس بر میزان عزت نفس دانش آموزان پسر، پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۳۲.
- Adair, V. C. & Dahlberg, L. S. (2003). Reclaiming Class: Women, Poverty, and the Promise of Higher Education in America. Philadelphia, Temple University Press
- Anderson, E. (2007). Fair opportunity in Education: A Democratic Equality Perspective. Ethics, 117
- Dahlum, S. (2018), Do Democracies Provide Better Education? Revisiting the - Democracy-Human Capital Link, world development, 24, 186-199
- Dahlum, S. and Knutsen, C.H., 2017. Do democracies provide better education? Revisiting the democracy-human capital link. World Development, 94, pp.186-199
- Fredericks JA, Blumenfeld PC, Paris AH. (2004) School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. Review of Educational Research.; 74(1): 59-109.
- Sada, N. (2020), Perceptions of democracy among Islamic education teachers in Israeli Arab high schools, The Journal of Social Studies Research, 44, 271-280

- Maslach, C., Schaufeli, W, B., & Leiter, M, P.(2001). Job Burnout. Annual Review of psychology,52, 327-422.
- Gagne, M.(2008). The role of autonomy support and autonomy orientation in pro-social behavior engagement. Motivation and Emotion, 27, 122-223.
- Kuh, G. D. (2003). What we're learning about student engagement from NSSE. Change, 35(2), 24-32.
- Linnenbrink, E. A., & Pintrich, P. R. (2003). The role of self-efficacy beliefs instudent engagement and learning inthe classroom . Reading & Writing Quarterly, 19(2), 119-137.
- Martin, A. J. (2008). Enhancing student motivation and engagement: The effect of a multidimensional intervention. Contemporary Educational Psychology, 239°269.
- Martin, A. J., & Liem, G. A. D. (2010). Academic personal bests (PBs), engagement, and achievement: A cross-lagged panel analysis. Learning and Individual Differences, 24, 265°270